نگاه

کی رئیس است

زینب غنی: قانون مدنی ایران مانند برخی کشورهای دیگر نظیر سوئیس و ایتالیا است که اداره نهاد خانواده را با ریاست فرد می داند و ریاست خانواده از خصایص شوهر است. در حقوق ایران قانون مدنی پس از ماده ۱۱۰۴ که از همکاری زن و شوهر در اداره خانواده و تربیت فرزندان یاد می کند، در ماده ۱۱۰۵ می گوید در روابط زوجین ریاست خانواده از خصایص شوهر است. قواعد ناظر به ریاست خانواده نیز مانند قواعدی که مربوط به ساختار حقوقی خانواده است از مصادیق قوانین امری است بنابراین افراد حق ندارند در قراردادهای خصوصی خود و یا در شروط ضمن عقد نکاح توافقی برخلاف مفاد آن بکنند. در توجیه این ماده گفته اند که به ناچار هر اجتماعی باید رئیسی داشته باشد تا کارها را هماهنگ کند و در موقع بروز اختلاف عقیده، نظر او قاطع ماجرا باشد. با این حال در بسیاری از کشورها اداره خانواده بر مبنای توافق مشترک زن و مرد است. قاعده ریاست شوهر در خانواده منطبق بر فقه اسلامی و مبتنی بر آیه ۳۴ سوره نسا «الرجال قوامون علی النسا» است. مثلاً بعضی فقها در تفسیر آیه فوق آمریت شوهر را به حکومت والیان بر رعیت های خود مانند می کنند ولی امروز ریاست مرد در خانواده به انجام یک وظیفه اجتماعی شبیه تر است تا حق و امتیاز شخصی برای مرد. و باید گفت که هدف قانونگذار از وضع چنین قاعده‌ای برتری دادن مرد بر زن و مقدم دانستن خواست های او نیست بلکه قانونگذار در مقام پاسداری از نهاد خانواده و حفظ مصالح خانواده چنین قاعده‌ای را وضع کرده است، نه به دلیل برتری مرد و ناتوانی زن. سئوالی که در اینجا به وجود می آید این است که اگر این ریاست بر مبنای برتری و توانایی مرد نیست چرا ریاست به زن سپرده نشده است. بی گمان در بعضی خانواده ها صلاحیت زن برای این امر بیشتر از مرد است ولی قانونگذار با توجه به عموم و شرایط غالب حکم می راند. در جامعه ما به علت شرایط اجتماعی و اقتصادی تاکنون اینگونه بوده است که مرد نان آور خانواده بوده و مردان از معلومات اجتماعی بالاتری برخوردار بوده اند و به دلایل فرهنگی ریاست مرد به راحتی مورد پذیرش قرار می گرفت، بنابراین بهتر است با توجه به دگرگونی شرایط زندگی خانوادگی و نیازهای امروزین جامعه، به سوی تعدیل ساختار حقوقی خانواده رفت. به هر ترتیب با توجه به هدف اصلی قانونگذار، نمی توان از ماده ۱۱۰۵ برداشت کرد که ریاست خانواده امتیازی برای مرد است تا آنگونه که می خواهد عمل کند و مصلحت خانواده را نادیده بگیرد چه به موجب اصل ۴۰ قانون اساسی «هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد». بنابراین حتی اگر بگوییم ریاست بر خانواده به موجب قانون از حقوق مرد شناخته شده است براساس اصل ۴۰ قانون اساسی باید گفت شوهر حق ندارد با استناد به ریاست خانواده کاری کند که حقوق زن نقض شود و یا برای بنیان خانواده تهدیدی ایجاد شود. همان طور که گفته شد ریاست شوهر بر خانواده امروز به یک وظیفه اجتماعی شبیه تر است تا حق شخصی. با این حال در قانون مدنی آثار چندی بر این قاعده بار شده است، به طور مثال ضرورت تمکین زن، حق مرد در تعیین محل سکونت و مخالفت با شغل زن، از آثار ریاست شوهر بر خانواده هستند. به نظر می رسد با توجه به تغییر نگرشی که در ذهن حقوقدانان و فقها در زمینه مفهوم ریاست خانواده به وجود آمده است باید این قواعد را بازنگری کرد.

دریافت نفقه قبل از آغاز زندگی مشترک

محمدرضا محمدی*: تصور غالب مردم بر آن است که به زنی نفقه داده می شود و خانمی مستحق نفقه است که پس از ازدواج به خانه شوهر رفته باشد و مشغول زندگی با وی باشد. در صورتی که واقعیت جز این است. این تصور مصداقش فقط زمانی است که زوجه پس از وقوع عقد به خانه زوج رفته و مشغول زندگی شده باشد که در این صورت اگر زندگی را رها کند و ناشزه شود مستحق نفقه نخواهد بود، ولی اگر زوجه قبل از رفتن به خانه شوهر تقاضای نفقه کند با وجود شرایطی وی مستحق نفقه خواهد بود. نفقه زن به صراحت ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی که بیان می دارد: همین که نکاح به طور صحت واقع شد روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل همدیگر برقرار می شود. پرداخت نفقه پس از زوجیت و در واقع همان اجرای صیغه عقد برقرار می شود. به عبارتی دیگر امکان دارد یک زن یک عمر در خانه پدرش باشد و به خانه شوهر نرفته باشد و اصلاً تمکین نکرده باشد لکن مستحق نفقه باشد و هر ماه نفقه خود را از زوج بگیرد. به عبارت واضح تر اگر زوجه پس از وقوع عقد تمکین خود را مشروط به اخذ تمام مهریه کند، در این صورت تا زمانی که تمام مهریه به او پرداخت نشده باشد مستحق نفقه هم هست. البته این حق که به آن در اصطلاح حقوقدانان حق حبس گفته می شود مشروط به چند امر است: ۱- مهریه زوجه حال باشد. یعنی مهریه که در زمان عقد تعیین و ذکر می شود بنابر پرداخت نقد و عندالمطالبه باشد. ولی اگر مهریه حال نباشد و اقساطی باشد و یا آنکه علاوه بر کلمه عندالمطالبه قید عندالاستطاعه هم گنجانده شود در این صورت دیگر حال نیست و در این صورت زوجه نمی تواند از حق حبس خود استفاده کند. ۲- زوجه حاضر به تمکین باشد لکن آن را مشروط به اخذ تمام مهریه کند. ولی اگر زوجه بگوید حاضر به تمکین نیستم هر چند تمام مهریه را نقداً بدهد در این صورت هم مستحق نفقه نیست. ۳- زوجه قبل از استفاده از حق حبس به اختیار خود تمکین نکرده باشد، پس اگر زوجه ولو یک بار با میل و اختیار خود حاضر به تمکین خاص و عمل زناشویی با زوج شود و از باکره بودن خارج شود در این صورت هم حق حبس برای وی محفوظ نخواهد بود. نتیجه بحث آنکه پس امکان دارد زوجه چند سال هم طول بکشد، باز مستحق نفقه یومیه خود باشد. این امر بدیهی و نیاز به استدلال ندارد لکن از باب توضیح واضحات به چند ماده قانونی و فتاوی فقهای عظام اشاره می شود. ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی می گوید: «زن می تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند، مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود.» مستنبط از ماده مذکور آن است که زوجه هم می تواند نفقه خود را مطالبه کند و هم تمکین نکند مگر پس از دریافت مهریه. ماده ۱۰۸۶ می گوید: «اگر زن قبل از اخذ مهریه با اختیار خود به ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد قیام نمود دیگر نمی تواند از حکم ماده قبل استفاده کند، معذلک حقی که برای مطالبه دارد ساقط نخواهد شد.» که این ماده هم ناظر بر آن است که زوجه قبل از استفاده از حق حبس تمکین نموده باشد و این تمکین هم بالاختیار باشد. ولی اگر عمل زناشویی به میل و اختیار نباشد مثلاً در حالت نوم زوجه باشد و یا آنکه با الاکراه والاجبار باشد در این صورت حق حبس زوجه ساقط نمی شود. موید این برداشت صراحت فتوای آیت الله سیستانی در منهاج الصالحین جلد ۳ ص ۹۶ مسئله ۳۰۷ است. حضرت امام خمینی هم در این مورد می فرماید: «اگر بعد از عقد تمکین نکرده، می تواند تا گرفتن مهر خود تمکین نکند و در این صورت استحقاق نفقه دارد.» (نقل از کتاب مجموعه نظریات مشورتی فقهی در امور حقوقی (۳) ص ۹۶) با توجه به دلایل مذکور این مطلب ثابت می شود که زوجه در بعضی صور ولو آنکه در خانه پدرش باشد و نسبت به زوج تمکین نکرده باشد باز هم مستحق نفقه است.

حقوق خانواده

***رئیس شعبه ششم دادگاه خانواده شهرری**

معمای انتقال قضایی سهام در شرکت های سهامی

حقوق تجارت

صدیقه نعیمیان*: تشریفات انتقال سهام در شرکت های سهامی در ماده ۴۰ لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷ توضیح داده شده است. بدین مضمون که انتقال سهام با نام باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و... در قسمت اخیر ماده نیز ضمانت اجرای آن قید شده است و «هر انتقالی» که بدون رعایت شرایط فوق به عمل آید از نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار است. با توجه به ماده ۶ و ۱۱ قانون تجارت و نیز آیین نامه تحریر دفاتر تجارتی درمی یابیم که دفتر ثبت سهام از جمله دفاتر تجاری - که باید توسط نماینده اداره ثبت امضا شده و دارای نمره ترتیبی و قیطان کشیده باشد - نیست. در عرف متداول، معمولاً دفتر ثبت سهام، دفتری معمولی است که دارای چند ستون با سرفصل انتقال دهنده و انتقال گیرنده و محل امضا و تاریخ انتقال و ستون ملاحظات است که ممکن است دفتری با دفتر دیگر متفاوت باشد. در شرکت های سهامی که دفتر ثبت سهام تهیه یا خریداری می شود، در اختیار هیات مدیره است اما بسیارند شرکت هایی که از تاریخ تاسیس تا زمان انحلال دفتر ثبت سهام ندارند. با این ترتیب، بدیهی است در صورت وقوع انتقال اجرایی که نوعی انتقال قهری است، در صورت فقدان دفتر ثبت سهام و یا در صورت امتناع مدیران شرکت از ارائه آن به داد ورز، ثبت انتقال در دفتر ثبت سهام، امکان پذیر نیست. حال آنکه در بعضی موارد انتقال سهام پراهمیت تر و ارزش معاملاتی آن چندین برابر بیشتر از اموال غیرمنقول یا خودرو یا تلفن است. در نتیجه محکوم له که پس از ماه ها و شاید سال ها انتظار و طی مراحل دادرسی و صرف هزینه، موفق به اخذ رای به نفع خود شده است، قادر به اجرای آن و استیفای حقوق خود نخواهد بود. در واقع شیرین ترین قسمت دادرسی - یعنی اجرای حکم - برای او تبدیل به تلخ ترین قسمت می شود. زیرا به استناد قسمت اخیر ماده ۴۰ لایحه اصلاحی قانون تجارت، شرکت وی را به نام سهامدار شناسایی نمی کند؛ او را در مجامع عمومی نمی پذیرد و سود سهام را به وی پرداخت نمی کند. با توجه به انصاف و عدالت باید قائل بر این شویم که عبارت «هر انتقالی» منصرف از انتقالات قهری (انتقال اجرایی و انتقال از طریق توارث) است. در نتیجه لازم است محکمه‌ای که رای به ثبت انتقال سهام صادر کرده است، چه اداره ثبت شرکت ها جزء خواندگان طرف پرونده باشد یا نباشد، از باب اعلام نسخه‌ای از دادنامه را به اداره ثبت شرکت های ذی ربط نیز ارسال کند تا خواهان پس از مراجعه به وزارت امور اقتصادی و دارایی و پرداخت مالیات انتقال سهام و اخذ مفاصاحساب به قائم مقامی از مستنکف، قادر به تثبیت موقعیت خود به عنوان سهامدار در پرونده ثبتی شرکت باشد. نتیجه این اقدام این است که اگر مدیران شرکت، از پذیرش خواهان به عنوان سهامدار در مجامع عمومی با توسل به قسمت اخیر ماده ۴۰ سابق الذکر امتناع کنند، حق شکایت کیفری طبق بند ۱ ماده ۲۵۳ لایحه اصلاحی قانون تجارت برای محکوم له ایجاد می شود که روش سریع تری برای احقاق حق در مقایسه با مواد قانون آیین دادرسی مدنی و ضوابط قانون اجرای احکام مدنی است. به نظر می رسد در سایر موارد اختلاف بین ارکان مختلف شرکت نیز فارغ از خوانده واقع شدن یا نشدن اداره ثبت شرکت ها، به منظور حصول نتیجه از دادخواهی، دادگاه باید نسخه‌ای از دادنامه را به اداره ثبت شرکت ها ارسال کند. والا دادرسی بی حاصل خواهد بود. به عنوان مثال می توان از دعوای الزام شرکت و مجمع عمومی سهامداران به پذیرش و ثبت استعفای مدیران یاد کرد که چنانچه مجمع عمومی شرکت خوانده پس از قطعیت دادنامه، نسبت به اجرای آن اقدام نکند، محکوم له از طرح دعوا و ذی حق بودن در جریان دادرسی، هیچ طرفی نخواهد بست و کماکان - تا قبل از ثبت و درج تغییرات در روزنامه رسمی -توسط اشخاص ثالث از جمله وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک ها، مدیر و دارای مسئولیت و بعضاً هم مسئولیت تضامنی، شناخته خواهد شد.

***وکیل پایه یک دادگستری**

کجای این قانون حمایتی است؟!

وکیل شرق

سعید دهقان: (اصغر خلیلیان از قم: مطلب «کارمزد از شوهر؛ کدام حمایت؟» در این ستون در واقع پاسخ به سئوال خانمی از تهران، در ارتباط با جواز اخذ اجرت توسط مادر بابت دو سال شیر دادن به بچه، در هنگام جدایی از شوهرش بود؛ جهت اطلاع آقای دهقان و خوانندگان محترم روزنامه شرق نکاتی را مطرح می کنم: ۱- اینکه قانون می گوید زن می تواند به بچه اش شیر ندهد و در صورت شیر دادن می تواند از شوهرش اجرت بگیرد، حکمی دینی و فقهی است و در قرآن کریم و روایات اسلامی آمده است. به عنوان نمونه می توان از آیه ۲۲۳ سوره بقره نام برد. ۲- اگر به قرآن کریم و روایات مربوط در این زمینه و خود این قانون نگاه کنیم، متوجه می شویم که اولاً این قانون به معنای منع از شیر دادن مادران نیست و ثانیاً ربطی هم به شیر بهایی که بعضاً از داماد می گیرند ندارد. بلکه همان طور که جناب آقای دهقان آورده اند در صورتی که به درخواست شوهرش (و اگر دستور بدهد لازم نیست اطاعت شود) بچه را شیر دهد یا به قصد تبرع (رایگان) نباشد می تواند اجرت بگیرد؛ آن هم از شوهرش. پس ایرادهای مطرح شده عموماً مردودند و فقط می ماند این سئوال که کجای این قانون حمایتی است؟ در جواب باید گفت، اولاً همه قبول داریم که اکثر قریب به اتفاق مادران بدون هرگونه چشمداشتی به فرزندانشان خدمت می کنند، منتها چون در رابطه زناشویی، زن در غیر از چند مورد، مجبور به اطاعت از شوهرش نیست - و یکی از این موارد هم همین شیر دادن و بزرگ کردن بچه هاست- لذا اگر احیاناً به هر دلیلی نخواست این کارها را انجام بدهد (مثلاً شاغل است و...) شوهرش نمی تواند مانعش شود و او را مجبور کند و معلوم است که این حکم و اختیار زن، حالت لزوم و وجوبی ندارد. پس نگوییم که در این صورت از مادر بودن بهره‌ای ندارد و مثل دایه و... می شود که موجب کدورت و غضب است.)

وکیل شرق: ضمن تشکر از دقت و عنایت شما به مطالب این ستون و ضمن احترام به شأن و جایگاه احکام قرآنی و اسلامی - که بسیاری از مواد قانونی ما نیز متاثر از آن آموزه ها است- ذکر نکات زیر را ضروری می دانم: ۱- در تمامی ترجمه هایی که از این آیه (۲۲۳ سوره بقره) دیدم؛ از ترجمه و تفسیر علامه طباطبایی در «تفسیر المیزان» گرفته تا ترجمه الهی قمشه‌ای، مکارم شیرازی، فیض الاسلام، مصباح زاده، آیتی، فولادوند، پورجوادی و شعرانی، چنین معنا و مفهومی را- که شما برداشت کرده اید - نیافتم. به این ترجمه توجه کنید:

«زنان شما کشتزار شمایند. از هر طرف خواستید به کشتزار خود درآیید و درصدد پدید آوردن یادگاری و نسلی برای خود برآیید و از خدا پروا کنید و بدانید که شما او را دیدار خواهید کرد و مومنین را بشارت ده.» این ترجمه علامه طباطبایی است. ایشان در بیش از ۱۰ صفحه تفسیری که از این آیه ارائه فرمودند، حتی یک نشانه یا قرینه‌ای دال بر تایید برداشت جنابعالی از این آیه نیاورده اند. به این بخش از تفسیرشان توجه داشته باشید: «پس حاصل کلام در معنای آیه این شد که نسبت زنان به جامعه انسانی نسبت کشتزار است به انسان کشت کار، همان طور که کشتزار برای بقای بذر لازم است و اگر نباشد بذرها به کلی نابود می شود و دیگر غذایی برای حفظ حیات و ابقای آن نمی ماند. همچنین اگر زنان نباشند نوع انسانی دوام نمی یابد و نسلش قطع می شود. آری خدای سبحان تکوین و پدید آمدن انسان و یا بگو به صورت انسان درآمدن ماده را تنها در رحم مادران قرار داده و از سوی دیگر طبیعت مردان را طوری قرار داده که متمایل و منعطف به سوی زنان است. با اینکه مقداری از آن ماده اصلی در خود مردان هم وجود دارد و در نتیجه میان دو دسته از انسان ها مودت و رحمت قرار داده است. چون چنین بوده قطعاً غرض از پدید آوردن این جذبه و کشش، پدید آوردن وسیله‌ای بوده برای بقای نوع، پس دیگر معنا ندارد آن را مقید به وقتی و یا محلی معین کرده، از انجام آن در زمانی و مکانی دیگر منع کند، بله مگر آنکه در یک موردی خاص انجام این عمل مزاحم با امری دیگر شود؛ امری که فی نفسه واجب بوده و اهمالش جایز نباشد. با این بیان معنای جمله: «وقدموا لانفسکم» به خوبی روشن می شود.» با این حال، تایید می فرمایید که در اینجا بحث ایجاد نسل است و روابط زناشویی و نمی توان بحث کارمزد از شوهر را از این آیه برداشت کرد؛ گواینکه بنده نیز با این وجود، بحث از پول یا کارمزد در روابط سالم و زیبای زناشویی را - که ناشی از یک عقد غیرمعاوضی است - اخلاقی، منطقی و انسانی تلقی نکرده ام. ۲- حتی اگر آیه شریفه از این موضوع سخن می گفتند، باز هم این برداشت از مطلب بنده که «این قانون به معنای منع شیر دادن مادران است» و یا ارتباطش با «شیر بهایی که بعضاً از داماد می گیرند» - که در حد یک مثال آورده شد - برداشت مقرون به صوابی نبود چرا که مادر همیشه مادر است و مقدس؛ با این تفاوت که وقتی قانونگذار قصد کند از طریق کارمزد یا نظایر آن حمایتش کند، قداستش را مخدوش و او را در حد یک دایه دیده است؛ نه اینکه او (مادر)، خودش از مادر بودن بهره‌ای نبرده باشد یا خود را دایه ببیند! موافقید؟

vakilroaya@Gmail.com

خبرها

انتخاب رئیس کمیسیون حقوق بشر کانون وکلای مرکز

ایسنا: کورش کاکوان به عنوان رئیس کمیسیون حقوق بشر کانون وکلای دادگستری مرکز انتخاب شد. با برگزاری انتخابات کمیسیون حقوق بشر کانون وکلای دادگستری مرکز اعضای این کمیسیون کورش کاکوان را به عنوان رئیس این کمیسیون انتخاب کردند. سایر اعضای کمیسیون حقوق بشر کانون وکلا محمد فرض پور، محمدحسین هاشمی، اردشیر امیرارجمند، توران شهریاری، سیدمحمد هاشمی، شیرین عبادی، هادی اسماعیل زاده، عبدالفتاح سلطانی، رزا قراچورلو و گیتی پورفاضل هستند.

محکومیت اسرائیل در شورای حقوق بشر

ایسنا: شورای حقوق بشر سازمان ملل قطعنامه پیشنهادی گروهی از کشورها به رهبری کشورهای اسلامی را در حالی با ۲۷ رای موافق در برابر ۱۱ رای مخالف تصویب کرد که در بیان نقض های حقوق بشر توسط اسرائیل از واژه هایی شبیه به جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت و قتل عام استفاده کرد. این شورا با درخواست از دو طرف برای احترام به قوانین حقوق بشری با اعزام فوری کمیسیون تحقیق متشکل از اعضای عالی رتبه به لبنان برای بررسی حملات سیستماتیک اسرائیل به غیرنظامیان لبنانی موافقت کرد و بر این اساس کمیسیون تحقیق باید گزارش خود را تا اول سپتامبر (۱۰ شهریور) به شورا ارائه دهد. شورای حقوق بشر سازمان ملل هم چنین پس از محکوم کردن جدی نقض آشکار قوانین حقوق بشری و قوانین انسان دوستانه در لبنان توسط رژیم صهیونیستی از اسرائیل خواسته است که به اصول انسانی توجه کرده و هرگونه حمله‌ای که احتمال می رود باعث از دست رفتن جان انسان ها شود را متوقف کند. در آغاز جلسه یک روزه شورا که با سخنرانی بیش از ۵۰ نماینده از کشورهای عضو و نمایندگان گروه های منطقه‌ای و نمایندگان ۱۴ سازمان غیردولتی برگزار شد، لوییس آربور رئیس شورای حقوق بشر سازمان ملل بر لزوم تحقیقات درخصوص حملات علیه غیرنظامیان در لبنان و شمال اسرائیل تاکید کرد. وی با تاکید بر حمله ۳۰ ژوئیه اسرائیل به قانا گفت: تحقیقات مستقل و بدون جانبداری و هدفمند در این خصوص ضروری است. باید تمامی نقض حقوقی توسط طرفین مورد بررسی قرار گیرد. وی همچنین از اوضاع انسانی در مناطق پرجمعیت جنوب لبنان به خصوص پس از تخریب پل های رودخانه لیطانی به شدت ابراز نگرانی کرد و گفت: این مردم نیازمند جدی آب و غذا و کمک های دارویی هستند، در حالی که امدادگران نمی توانند به منطقه بروند. وضعیت اسفبار آوارگان در مناطق جنگی و اردوگاه های کشورهای همسایه نیز موجب نگرانی جدی است. شورای حقوق بشر سازمان ملل در این قطعنامه از اسرائیل خواست عملیات نظامی علیه غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی را که منجر به مرگ و تخریب مناطق غیرنظامی می شود به سرعت متوقف کند.

ضرورت تدوین قانون جامع برای ساماندهی احکام کیفری

سایت کانون وکلا: مرکز پژوهش های مجلس در جریان بررسی لایحه تبدیل سازمان زندان ها خواستار تدوین قانون جامعی برای ساماندهی احکام کیفری شد.